



بیانات معظم له بمناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) - 18 / مهر / 1377

خانم محتشمی (اداره کننده جلسه): بسم الله الرحمن الرحيم. با کسب اجازه از مقام عظمای ولایت، جلسه را با تلاوت آیاتی از قرآن مجید توسط خواهرمان خانم «طهماسبی» که حافظ کل قرآن و رتبه پنجم کنکور در رشته دندانپزشکی است، شروع می کنیم.
شما همه قرآن را حفظید؟
خانم طهماسبی: فقط دوره کردن نیاز است.
خوب؛ دوره کنید. خیلی نعمت بزرگی است. ای کاش آن وقتیایی که ما به سن شما بودیم، انگیزه هایی چنین در جامعه بود که ما هم حفظ می کردیم. متأسفانه آن وقتها این حرفها نبود. خوش به حالتان؛ ان شاء الله موفق باشید.

...
خانم فقیه، استاد دانشگاه الزهرا: بسم الله التور، بسم الله التور التور، بسم الله التور علی نور:

چو نورش در بسیط ارض از عرش برین آمد

خدا را هرچه رحمت بود، نازل بر زمین آمد

ز نورش رحمت از ربّ المشارق تافت بر عالم

چو زهرا را ظهور از رحمة للعالمین آمد

جمالی در تجلی آمد از پیراهن امکان

که صد خورشید و ماهش جلوه گر از آستین آمد

نزول شطّ نور از کبریای عرش بر طور فرش، نعمت و برکت و رحمت بر کویر تشنه دلان موسوی سرازیر ساخت و هر که را دیده بر آن خورشید عالم گستر منور شد، سعادت دنیا و عقبا نصیب گشت و بساط آن نور کونین در تبرک وجود فرزندان زهرای اطهر، از حسنین (سلام الله علیهما) تا خمینی کبیر و خامنه ای معظم، به حکم «انما یرید الله لیذهب عنکم الرّجس اهل البیت و یطهّرکم تطهیرا»، بر مشام جان کائنات معطر و مطهّر آمد. بار دیگر بر عروس چرخ زیور بسته اند و پرده زریفت بر ایوان اخضر آویخته اند:

... چرخ کحلی پوش را بند قبا بگشوده اند

کوه آهن چنگ را زرین کمر در بسته اند

اطلس گلریز این سیماب گون خرگاه را

نقش پردازان چینی نقش شُشتر بسته اند

مهد خاتون قیامت می برند از بهر آن

دیده بانان فلک را دیده ها بر بسته اند

دانه ریزان کبوتر خانه روحانیان

نام اهل البیت بر بال کبوتر بسته اند

منظومه محبت زهرای اطهر بر خاطر مؤمنان، مسطور و دعای این صحیفه عظیم بر ناصیه دردمندان اهل ولایت، مکتوب باد.

آفرین. این شعرها مال چه کسی بود؟ (از فؤاد کرمانی و خواجه کرمانی) بسیار خوب. متن را هم که لابد جناب عالی نوشته اید. خیلی خوب. خیلی متن خوبی بود. ان شاء الله موفق باشید.

خانم خالصی مادر سه شهید: بسم الله الرحمن الرحيم. اینجانب مادر سه شهید بسیجی، داوود، رسول و علیرضا خالقی پور، میلاد با سعادت دخت نبی اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و زوجه ولی الله فاتح خیبر، و امّ الائمه و



مادر خود جناب عالی را و همچنین تولد با سعادت رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام راحل عزیزمان را که با تولد خانم فاطمه (سلام الله علیها) مقارن شده، به ساحت مقدس آقا امام زمان و به رهبر عزیزمان و به تمامی امت شهیدپرور، مخصوصاً بانوان حاضر در جلسه و بانوان کشور اسلامیمان و علی الخصوص مادران، همسران و فرزندان شهدا و جانبازان و آزادگان، تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. امیدوارم لطف و عنایت آن بانوی بزرگوار، در هر دو جهان شامل حال همه ما باشد.

خانم! ما باید به شما تبریک عرض کنیم. بچه‌ها چه زمانی شهید شدند؟ داوود سال 1362 در عملیات خیبر به شهادت رسید. رسول و علیرضا بعد از امضای قطعنامه، در عملیات مرصاد به دست منافقین به شهادت رسیدند.

خداوند ان شاءالله آنها را با پیغمبر محشور و شما را حفظ کند. ما خدمت شما نرسیده ایم؟ هنوز ما انتظار زیارت قدوم مبارک شما را همچنان به دوش می‌کشیم. هنوز موفق نشده ایم قدمهای پرمحبتتان را روی چشممان قرار دهیم.

تعجب است چطور خدمت شما نرسیده ایم! ما معمولاً این طور موارد را در اولویت قرار می‌دهیم. ان شاءالله سفارش می‌کنم که یک وقتی نه چندان دور، ان شاءالله خدمت شما بیاییم. ان شاءالله موفق باشید.

خانم محتشمی: بسم الله الرحمن الرحيم. با عرض سلام و تبریک میلاد همتای مولود کعبه و مراد و مادران که اول امر به معروف در راه ولایت و مهاجر و مجاهد فی سبیل الله بود و جانباز و شهید و مفقودالثر شد تا سادةالعباد را سیادت بخشد و ارکان البلاد را رکنی رکنین از سلالةالنبیین گردد. امیدواریم از مهمانی کریمانه و عارفانه اهل بیت در جشن میلاد مادران، امت نیز از دعای خیر حضرت عالی برخوردار شوند. با تشکر از این که وقت گرانقدر شریفتان را به این ملاقات که احیاگر سنت نبوی در مسجدالنبی است، اختصاص دادید تا رسالت و تکلیف خود را در این برهه از زمان بازشناسیم. جمع حاضر - مشتاقان درک حضورتان - جمعی از رهگشایان راه ظهور، از اقشار مختلف مردمی و نهادهای غیردولتی هستند که امروز به جمع صمیمی امام امت فراخوانده شدند. ما در سفرهای روحانی به سوی کعبه جانها معتقد بودیم که نه نوبت است و نه حتی قسمت؛ بلکه دعوتی است الهی. امروز جمع ما این دعوت الهی، یعنی استضائه از محضر ولی الله و نایب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را با جان و دل حس می‌کنند و حس می‌کنیم. اعضای این جمع، از خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان و ایثارگران، زنانی متعهد و متخصصند که با اراده و تلاش، علاوه بر افتخار حضور در عرصه‌های مختلف اجتماع، حسن تبعل و مادری و حفظ کیان خانواده را به عهده دارند و همیشه درصد رشد علمی و معنوی و ارتقاء آگاهی و افزایش بصیرت سیاسی بوده و دائم در جهت خدمت به نظام اسلامی، دفاع از ارزشها و دفاع از نظام ولایت مشغول بوده‌اند. حاضرین، گروههایی از اساتید، دانش پژوهان، دانشجویان، محققین، پزشکان، شعرا، اصحاب مطبوعات، معلمین، دانش آموزان، مبلغین داخلی و خارجی، هنرمندان، کارمندان و کارگزارانند، که همه در عرصه‌های مختلف، بازوان پرقدرد و پرتلاش برای نظام و کشور در عرصه‌های مختلف هستند.

اینک با کسب اجازه از حضورتان، دیدگاهها و مسائلی را عرضه می‌کنند و در صورت صلاحدید، حضرت عالی بذل عنایت فرموده و با رهنمودهای حکمیانه خودتان، دیدگاه و عملکرد ما را به نور هدایت مزین فرمایید. مهري سويزي، سردبیر زن روز: بسم الله الرحمن الرحيم. خدا را سپاسگزار و شاکریم که نعمت حضور در محضر جناب عالی را به همه ما عطا فرمود. ان شاءالله بر مسؤولیت سنگین این جلسه هم واقف باشیم و در راه فعالیتها به همه مسؤولیتهای حاصل عمل کنیم. مطلبي را در رابطه با فرهنگ و مطبوعات به محضر جناب عالی عرض می‌کنم: واقع این است که فرهنگ، مجموعه سیالی است که مستقیماً مربوط به انسان است. فرهنگ، برآیند عادات و اعتقاداتی است که به یک جامعه اختصاص پیدا می‌کند. بی تردید بخشی از این عادات و اعتقادات، جوششی است



که از نسل گذشته به نسل حاضر رسیده و بخشی از آن کوششی است که ثمره تلاش نسل حاضر است. در واقع فرهنگ، شناسنامه دستجمعی یک ملت است. هویت همگانی است که همگان باید برای پاسداری و حراست از آن بکوشند و دفاع کنند. این معنا را در آیات قرآن هم می‌یابیم؛ آن جایی که خداوند رحمان در سوره نساء می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فِيمِئِلُونَ عَلَيْكُمْ مِیلَةً وَاحِدَةً»؛ ای مردم! دشمنان شما دوست دارند که از دو چیز غفلت بورزید: «اسلحتکم»، نمایی از دفاع، و «امتعتکم»، آن حقیقت و مجموعه سرمایه‌ها. اگر از دفاع و از سرمایه‌ها غافل شویم، آن گاه «فیمیلون علیکم میلة واحدة»، یورش ناگهانی و شبیخون دستجمعی دشمن برای شهر و دیاری که هیچ مرزی را برای پاسداری ندارد، آسان و میسور خواهد بود.

امروز ما در آغاز دهه سوم انقلاب اسلامی هستیم و انتظار داریم که از فرهنگ اسلامی نظام اسلامی، با اهرمهای مهمی چون ابلاغ دعوت، ایجاد عادت و اعمال قدرت، حفاظت و حراست کنیم. مسلماً حفاظت و حراست از چنین فرهنگی حفاظت از انقلاب است؛ انقلابی که حضرت امام (رحمة الله علیه) فرمودند: «نگذارید به دست ناهلان بیفتد». بی تردید امر امام و کلام امام، یک امر دو سویه است. از سویی همه مسؤولان و همه برنامه‌سازان جامعه را نشانه می‌رود تا آنها در انتخاب تدبیرها و در انتصاب مدیرها به این معنا توجه کنند که هیچ جزئی از اجزای انقلاب، به دست ناهلان نیفتد. امر حضرت امام از سویی دیگر هم متوجه مردم و آحاد جامعه است. مردم جامعه ما با حضور خود در عرصه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی، با نظارت دقیق، با حمایت همه جانبه و بلکه در جهات و زمینه‌هایی که لازم است، با دخالتها و هدایتها بجا، باید همه را متوجه مسؤولیتهای خود کنند. هیچ تردیدی نداریم که بین مسؤولان و مردم یک حلقه واسطه وسیعی به نام رسانه به طور عام و مطبوعات به طور خاص وجود دارد. بی تردید مطبوعات ما باید در تأمین آگاهیهای صحیح و بموقع مردم، تلاش کنند. مطبوعات ما باید در تأمین ارزشها، اصالتها و آرمانهای مردم بکوشند. مطبوعات می‌توانند با ایجاد حرکت‌های معرفت‌آمیز، هم مردم را متوجه مسؤولیت خود کنند و هم مسؤولان را متوجه مسؤولیتهای سنگین خود نمایند؛ چنان که اگر عکس این اتفاق بیفتد، مطبوعات با حرکت‌های جنجال‌برانگیز و با ایجاد ابهام و توفان تشمت و تفرق می‌توانند هر دو گروه - یعنی هم مردم و هم مسؤولین - را از آن وظایف اصلی خود منحرف کنند.

آنچه که امروز واقعاً به عنوان رسالت مطبوعات مطرح است - در کنار آن واژه آزادی، بسیار دستمایه کلامها و صحبتها شده - این معنا و مطلب است که رسالت مطبوعات مقصدی است که وسیله‌ای برای رفتن به آن مقصد می‌خواهد، که آن وسیله «آزادی» است. آزادی مطبوعات، باید وسیله تأمین رسالت مطبوعات گردد؛ نه آن که رسالت مطبوعات در پای آزادی همه جانبه و بی‌بندوبار، قربانی شود! این همان چیزی است که برنامه‌ریزان و کارگردانان غربی و غربزده - حتی در آن سوی مرزها - امروز با صراحت برای تحققش تلاش می‌کنند و در واقع شمشیرها را دیگر از رو بسته اند!

در یکی از جلسات ضدانقلابیون، با صراحت مطرح کردند که اگر ما تا سرنگونی نظام جمهوری اسلامی 100 کیلومتر فاصله داشته باشیم، بی‌شک باید 95 کیلومتر آن را با برنامه‌های فرهنگی طی کنیم! چه کسی است که امروز نداند حمّال و عمّال برنامه‌های فرهنگی مدتظر آنها، قلم به‌دستان غافل و معترضی هستند که علاقه‌مندند در داخل زمینه‌سازی کنند تا نشاط و امیدواری مردم، به زمهریر یأس تبدیل شود؛ تا حفظ ارزشها و آرمانها به فراموشی گراید و پیوند وثیق امت با رهبر، گسسته گردد!

اما خدا را شاکریم که در وراي همه این برنامه‌های پلشت و پلید و پنهان و آشکار دشمن، ملت ما، مسؤولان ما و مطبوعات متعهد ما هشیارانه بر مدار وظایف خود تلاش می‌نمایند و خود را مشغول حفظ مویرگ سلايق نمی‌کنند که خدای نکرده از حفظ شاه‌رگ اصلی انقلاب بازمانند. اطاله کلام کردم؛ پوزش می‌خواهم. در محضر جناب عالی صحبت کردن - با معنویتی که در این جلسه استشمام می‌شود - افتخار بزرگی است و همه به ما التماس دعا



گفتند که نیابتاً از جانبشان، شما را زیارت کنیم. خداوند مئان این مجلس را ذخیره آخرت همه ی ما بگرداند. به خاطر وقتی که از جلسه گرفتم باز هم عذرخواهی می کنم.

خیلی خوب است؛ طیب الله انفسکم. من یک جمله حول و حوش فرمایش ایشان عرض کنم. بیانات خیلی خوب و متینی بود که خیلی هم خوب ادا شد. نکته ای در فرمایشات خانم بود که نکته بسیار درستی است. منتها ایشان توضیح ندادند. من اشاره ای به توضیح آن بکنم:

در زمینه گسترش فرهنگ، یا تغییر فرهنگ، یا تأمین فرهنگ، یکی از کارهای مهم «ایجاد عادت» است که ایشان در ضمن بیاناتشان گفتند: «با ایجاد عادت». این درست است. ایجاد عادت خیلی نقش دارد. مطبوعاتی که درصددند محتوای عمیق فرهنگی را - چنین چیزی فرض کنیم - تغییر دهند، یا آن را دچار جهتگیریهای نادرستی کنند، از جمله کارهایی که می توانند انجام دهند، این است که ذائقه ذهنی مردم را به سمت دیگری از مطالب پیش ببرند. فرض بفرمایید - مخصوص مطبوعات هم نیست - فیلمهای فارسی، یا مطبوعات فارسی سعی کنند که با مطرح کردن چهره و صورت زن در شکلهای جاذبه دار برای مردان، فیلم خودشان را مورد رغبت عده ای قرار دهند. این بتدریج تبدیل به یک عادت می شود؛ یعنی به مرور طوری خواهد شد که چنانچه این تصویر - این عکس - در این فیلم نباشد، دیگر مطلوب واقع نخواهد شد! در حالی که اول، این طور نبود و بتدریج این گونه شد!

همین حالت اگر در مطبوعات پیش بیاید - که متأسفانه دیده می شود بعضی از مطبوعات همین گونه کارها را شروع کرده اند و انجام می دهند - این مثالی است برای «ایجاد عادت». به نظر من خیلی مهم است که مطبوعات خوب و سالم، روی این نکته توجه کنند که چرا مطلبی را که در ذهن مردم جا افتاده و مستدل و متین و معقول است - یعنی یک شیء احساسی محض نیست - با تشکیک مداوم و پی درپی، به یک مسأله مشکوک، یا یک مسأله مورد بحث و مورد اختلاف تبدیل می کنند؟! در حالی که این مسأله می تواند با همان شکلی که هست، مطرح شود.

این نقشها در مطبوعات، نقشهای غیرمستقیم و بسیار کارآمد و مؤثر است. در جهت عکس هم همین طور است؛ یعنی وقتی بخواهند جامعه را به یک هدف صحیح، یا به یک محتوای عمیق نزدیک کنند، چنانچه آن محتوا از ذهن مردم دور هم باشد، بتدریج می شود این کار را انجام داد. به نظر من توجه به نقش عادت - عادت دادن مردم، ذهن مردم و ذائقه ذهنی مردم به مسائل گوناگون - در انتخاب راه و در شناختن شیوه هایی که مطبوعات و وسایل فرهنگی آن را دنبال می کنند، راهگشاست.

فاطمه رجبی، نویسنده: بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله. برای توفیق حضور در این محضر مقدس و زیارت مقام عظمای ولایت، سپاس بی کران به درگاه احدیت دارم. مطالبی را که امروز در این محضر ارائه می دهم «تهاجم فرهنگی» یا به فرموده حضرت عالی «شبیخون فرهنگی» است که دشمنان از زمان ورودشان به ایران دنبال کردند و در مرحله حاضر به صورت شبیخون ادامه می دهند. سه محور اساسی در این تهاجم و یا شبیخون وجود دارد که عبارت است از: 1- حمله به قوانین و احکام اسلام و ایجاد تردید و تزلزل در اعتقاد مردم. 2- ترویج همخوانی قوانین اسلام و مبانی اسلام با غرب و تمدن جدید آن که التقاط اومانیزم با اسلام را به نحوی در جامعه پیاده می کند و ایمان عملی مردم را خدشه دار می سازد. 3- نشر و رواج سکولاریسم که تجمل گرایی، بارزه بزرگ آن در قشر زنان است و حمله به اخلاقیات مردم را شروع می کند و ادامه می دهد.

در هر سه مورد، زنان به گونه ای خاص، مورد نظر و هدف دشمنان قرار دارند؛ چرا که زنان، پایه و مایه حفظ و حراست کیان و استقلال کشورند. به فرموده امام، در دوران سیاه پهلویهای خائن، اوجگیری این مراحل تهاجمی، باعث کشاندن کشور و استقلال به مرز نابودی بوده است.

به طور کلی اخلاق، فکر، اعتقاد و عمل مردان و زنان، مورد هجمه دشمن یا شبیخون دشمنان است که در دوره



جدید، خطر آن در پوشش اسلامی قابل لحاظ است. به معنای دیگر همه این مراحل برای زنان، مسأله «فمینیسم» را مطرح می کند که یک مسأله ضدّ خدایی و برخاسته از اندیشه بشرگرایانه غرب است؛ ولی در مرحله حاضر و مقطع کنونی، متأسفانه دشمنان، این زن گرایی یا زن سالاری را در پوشش اسلامی مطرح می کنند که به گمان ما انحراف، بیشتر از همین مرحله بر می خیزد. من فکر می کنم اگر جامعه را به سوی فضیلت سالاری و فضیلت خواهی سوق دهیم - و خود ما زنان باید این کار را برعهده گیریم - مسأله فمینیسم و مسائلی بالاتر، یا پایین تر از آن، در جامعه ما کارآیی نخواهد داشت. این مسأله، چند راه حل را به نظر من رسانده است. یکی تبیین سیره اهل بیت علیهم السلام به صورت عملی برای مردم و نشان دادن صحنه های حضور آنها که صحنه های پرشور و جذّاب و عملی است؛ که در دوران ده ساله اول - که هشت سال آن هم در دوران دفاع مقدّس بود - دنیا متوجّه این مسأله شد. الان هم دنیا باز حضور زنان ما را در صحنه های مختلف نگاه می کند.

دوم، تعریف خانه به معنای کامل است - نه خانه داری - تعریف خانه به معنای رکن رکن جامعه، که مادران و همسران در آن تبیین می شوند و مردم، ارزشهای اصیل و شخصیت زن را در خانه دنبال خواهند کرد. سوم، نشر و ترویج کار فرهنگی برای زنان است که این کار با خود خانمهاست و من درخواست می کنم که حتی برای ایجاد مؤسّساتی اقدام کنند که انتشار آثار خانمها را به طور خصوصی به عهده داشته باشد. نه این که ما بخواهیم دو قشر زن و مرد در جامعه به وجود آوریم؛ بلکه برای این که پشتوانه ای باشد. چون خود من جزو قشری هستم که می نویسم و جایی برای چاپ و انتشار، کمتر می یابم. برای همین است که فکر می کنم هم تشویقی برای کار فرهنگی خانمها باشد، هم پشتوانه ای که آنها را وادار به نوشتن و تفکر و تحقیق و پژوهش بیشتر کند؛ به جایی این که ما زنان جامعه را به حضور بی رویه در سازمانها و مؤسّسات سوق دهد. ان شاءالله در این محضر مقدّس - که من فکر می کنم هدیه ای الهی و بی نظیر از طرف حضرت زهراي مرضیه به خود من بود که توفیق حضور پیدا کنم - ما تعهد خودمان را بار دیگر پیدا کنیم که در همه مراحل با خردمندی، ولایت را پذیرفته ایم و به اجرای اوامر مقام معظم رهبری کمر می بندیم.

ان شاءالله موفق باشید. بسیار بیانات خوبی کردید.

سمیه اوری، از کشور چین (دانشجوی دانشگاه تهران - ادبیات فارسی): امروز روزی قشنگ و فراموش نشدنی است. من «سمیه اوری» هستم و از کشور چین آمده ام. پارسال زبان فارسی را در ایران در مؤسسه دهخدا یاد گرفتم. رهبرم! شما در راه اسلام هستید. نور اسلام همه جای جهان را روشن کرده و شما در راه گسترش اسلام، بسیار موفق بوده اید. من دختر غیرمسلمان از کشور چین، به دنبال اسلام به ایران آمدم. می خواهم با تقدیم احساسات خویش که در این مقاله است، خستگی رهبرم را از تن شریفشان بیرون کنم.

شما چون پدری مهربان و دلسوز، امکانات زیادی از قبیل کلاسهای تفسیر قرآن و تاریخ اسلام برای ما فراهم کرده اید. امکانات شما شاید در کشورهای دیگر به راحتی در اختیار دانشجویان خارجی نباشد. نمی دانم این مهر و محبت شما را چگونه سپاس گویم و مهر و محبت مردمی را که با وجود این که فقیرند و نان جو می خورند، اما برای ما - میهمانشان - جوجه کباب آماده می کنند. من در طول یک سال و نیم، زبان فارسی را یاد گرفتم. من با اسلام آشنا شدم. امروز برای من روز قشنگی است. من به عنوان یک تازه مسلمان، با دوستان عزیزم برای دیدار رهبرم در این جلسه شرکت کردم. چند ماه طول کشید تا من این مقاله را برای رهبرم نوشتم. امروز از خدا سپاسگزارم که می توانم با دست خودم مقاله ام را به رهبرم تقدیم کنم.

ان شاءالله موفق باشید. ماشاءالله، خوب پیشرفت کرده اید. زبان را خوب یاد گرفته اید؛ همه چیز را می توانید بگویید و بیان کنید. خیلی خوب است. این نوشته، مقاله شما است؟ این که خطّ شما نیست؟
خطّ شخص دیگری است.



بله، بسیار خوب، خطّ خیلی خوبی است. ان شاءالله موفق باشید. هرچه بیشتر این جا بمانید و با معارف اسلام در کشور ما آشنا شوید. هرچه بیشتر با مردم ما آشنا شوید و ان شاءالله زبان فارسی را هم هرچه بیشتر یاد بگیرید، تا به یک دریای عظیم واقیانوس عظیمی از معارف که به زبان فارسی نوشته شده، متصل شوید و از آنها ان شاءالله استفاده کنید. زنده باشید.

بهاره رنجبران، فرزند شهید - دانشجو: بسم الله الرحمن الرحيم. ابتدا باید به این نکته اشاره کنم که هر وقت راجع به جایگاه و حقوق زنان و به طور کلی مسائل مربوط به زنان صحبت می کنیم، هیچ وقت نیّت ما تقابل مرد و زن نیست؛ یعنی ما به این نیّت از زنان و مسائل مربوط به آنها صحبت نمی کنیم که مرد و زن را بنا به فرمایش خودتان در مقابل هم قرار دهیم - زنان را در یک طرف و احیاناً مردان را در طرف دیگر - نیّت ما از بیان این مطالب، فقط این است که هر کدام از مرد و زن، در جایگاه شرعی و واقعی خودشان - آن گونه که اسلام دستور داده و احکام نورانی اسلام تصریح کرده است - قرار گیرند.

در واقع ما می دانیم که تقابل بین مرد و زن، میراث شومی است که از فرهنگ غرب به جا مانده و این را دختران جوان ما به خوبی احساس کرده اند. تجربه های تلخی که امروز ما شاهد هستیم در غرب اتفاق می افتد، حاصل نوع نگاهی است که غرب به زن دارد و تقابلی است که خواسته است بین زن و مرد به وجود آورد. به خاطر دیدن این تجربه ها از این مسأله بیزاریم. غرب به دلیل نوع نگاهی که به زن دارد، سعی می کند به نیازهایی دامن بزند که نیازهای واقعی انسان به حساب نمی آیند. مثلاً از معنویت که نیاز واقعی و اساسی انسان است، غفلت می کند، در حالی که به نیازهای مادی می پردازد و آنها را نیازهای اصلی جلوه می دهد که به هیچ وجه این طور نیست. سالها غرب با معنویت و مظاهر آن جنگیده است. یکی از مظاهر معنویت که غرب هیچ وقت با آن سر سازگاری نداشته و ندارد، حجاب است.

امروز در دنیای متمدنی که خود را مدعی دفاع از حقوق بشر می خواند، ما می بینیم که مدام دختران دانشجویی مسلمان با مشکل مواجهند و از درس خواندن محروم می شوند. همچنین خانمهایی مسلمانی که مشغول به کار هستند، به دلیل رعایت حجاب از کارشان محروم می شوند. آنها این طور شدید با مقوله حجاب مقابله می کنند و همیشه هم مطرح می سازند که حجاب، تکلف آور و سخت است و نمی شود در عرصه های مختلف اجتماعی با حجاب، ظاهر شد! در حالی که ما به هر حال دختران دانشجویی هستیم که در محیطهای مختلف - چه محیط درس و چه محیط کار - مشغولیم و می بینیم که این مسأله برای ما مشکل ساز نبوده است. اصلاً ما حجاب را لباس «مشارکت اجتماعی» زنان می دانیم و اگر نباشد، واقعاً در عرصه اجتماع، مشکل داریم و واقعاً هیچ وقت احساس نکرده ایم که این برای ما سختی و مشکلی به وجود آورده است. ما با داشتن حجاب، احساس راحتی خیلی بیشتری می کنیم.

فخری الیهیاری، فرزند شهید - دانشجو: بسم الله الرحمن الرحيم - من در ادامه صحبت های خواهرمان که در مورد مظاهر معنویت بود، می خواستم در موضوع اخلاص صحبتی بکنم. شما در توصیه های قبلی خودتان به جوانان در زمینه خودسازی تأکید بسیاری به اخلاص داشتید. حال اگر اجازه بفرمایید، سؤالی از حضورتان دارم که آن را مطرح می کنم: لطفاً آن راهکارهایی را که منجر به تقویت اخلاص می شود، بیان کنید و بفرمایید چطور می شود اخلاص در هر فردی تقویت شود و بماند.

یک جمله درباره فرمایشات ایشان عرض کنم که کاملاً حرفه های متین و خوبی بود. چقدر خوب است که این نقطه نظرها از طرف شما دختران تحصیل کرده و روشنفکر و آگاه، در سطوح مناسبی منتشر شود، تا کسانی را که احتیاج دارند با آنها در این زمینه صحبت شود، پوشش دهد و از آن استفاده کنند. هرچه در این زمینه ها حرف زده شود - از حنجره های مختلف و با زبانهای مختلف - بهتر است. نباید کسی فکر کند این حرفی است که مثلاً فلان کس گفته،



یا دیگری گفته، یا در سخنرانیها بیان کرده اند. هر نفس، تأثیر خودش را دارد.

بله؛ این نکته کاملاً درستی است. دیدگاه غریبها نسبت به روابط زن و مرد - چون بحثی که الان شما مطرح کردید، عمدتاً ناظر به روابط و علاقات و نوع معاشرت زن و مرد است - با آن دید اسلامی که از جهان بینی اسلام سرچشمه می گیرد، متفاوت است. جهان بینی آنها از مسائل انسان سرچشمه می گیرد. البته چیزی روبنایی است، لیکن به چیزهای اصلی منتهی می شود. دید اسلامی در زمینه مسائل حجاب، بسیار دید خوب و روشنی است. چه تعبیر خوبی شما دارید! می گوید: «ما با این حجاب، احساس آسایش می کنیم و این لباس مشارکت ماست!» بله؛ کاملاً تعبیر درست و خوبی است. این، دیدگاه کاملاً صحیحی است. این را هرچه بیشتر بیان کنید و بگویید، بهتر است.

و اما در مورد اخلاص که شما می فرمایید. می دانید که اخلاص، نوعی گذشت است. هرچه انسان بتواند از انگیزه های شخصی عبور کند و به انگیزه های والا برسد، به اخلاص نزدیکتر است. اخلاص، یعنی خالص کردن و ناب کردن نیت. به دنبال ناب کردن نیت هم خالص کردن و ناب شدن عمل می آید. نقطه مقابل اخلاص چیست؟ این است که انسان برای انگیزه های شخصی - خودگرایی - یا انگیزه های مادی، یا انگیزه های معنوی بی ارزش کار کند. بعضی از انگیزه ها، صرفاً مادی - به معنای مصطلح - و ملموس نیستند؛ اما کم ارزشند. مثلاً پیدا کردن وجاهت در چشم مردم، مادی به معنای خاص نیست؛ لیکن یک چیز کم ارزشی است که بعضی به خاطر این انگیزه ها کاری را انجام می دهند که با انگیزه الهی، با راه درست و صراط مستقیم، منطبق نیست. این طبعاً نقطه مقابل اخلاص است. بنابراین هرچه که انسان انگیزه های خودش را از حالت خودپرستی و خودخواهی دورتر و والاتر کند، این می شود «اخلاص». چگونه می شود به این رسید؟ خوب؛ یک مقدار با گذشت. مثل همه کارهای دیگری که مجاهدت انسان در آن شرط است و مجاهدت لازم دارد، این هم از همان قبیل است. باید انسان یک مقدار گذشت کند. گاهی شما می بینید در یک فضا انسان احساس می کند که اگر من این کلمه را بگویم، ممکن است برای من وجهه ایجاد کند، در حالی که معتقد به آن کلمه نیست. خوب؛ آدمی که اهل اخلاص نباشد، آن کلمه را خواهد گفت. آدمی که اهل اخلاص است، یعنی می خواهد کارهایش خالص برای اهداف والا - یعنی در نهایت برای ذات مقدس پروردگار - باشد، این را نخواهد گفت. یعنی در واقع، یک نوع گذشت. صرف نظر از یک چیزهای کم اهمیت، این کار مثل همه چیزهای دیگر، تمرین می خواهد. برای شما خیلی آسان است؛ چون جوانید، نورانی هستید و به فطرت الهی قریب العهدید. برای هر جوانی کارهای دشوار، آسانتر از افرادی است که پا به سن گذاشته اند و به مرحله پیری رسیده اند. می توانید این کارها را بکنید. ان شاءالله موفق باشید.

دانشجوی دیگر: در ادامه صحبت های دوستم که اشاره کردند «واقعاً سعی ما بر این بوده که معنویت را به همراه توانایی های علمی یا عملی مختلف کسب کنیم»، من فکر می کنم شاید یکی از بهترین راه های به دست آوردن این معنویت، کسب فیض از قرآن و تفکر و تدبّر در آن است که بسیار هم سفارش شده است؛ منتها سؤالی که من از محضرتان دارم، این است که این تفکر و تدبّر که تأکید زیادی هم روی آن شده، چگونه باید باشد که منجر به «تفسیر به رأی» نشود؟

اصلاً تدبّر برای تفسیر کردن نیست؛ برای فهمیدن مراد است. انسان هر سخن حکیمانه ای را دو گونه می تواند تلقی کند: یکی سرسری و با سهل انگاری؛ یکی با دقت و کنجکاوانه. این اصلاً به مرحله تفسیر کردن و تعبیر کردن نمی رسد. تدبّر که در قرآن لازم است، پرهیز کردن از سرسری نگریستن در قرآن است؛ یعنی شما هر آیه قرآنی را که می خوانید، با تأمل و ژرف نگری باشد و دنبال فهمیدن باشید. این همان تدبّر است و بدون این که نیازی به این باشد که انسان، سلايق خودش را به قرآن تحمیل کند - که همان تفسیر به رأی است - خواهید دید که بابهایی را از معرفت، به حسب محتوای آیه - هرچه که محتوای آیه است - باز می کند.



اشکال عمده در کار قرآن خوانیهای بی تأمل، این است که اصلاً روی جملات درنگ نمی کنند. خوب؛ شما وقتی سخن حکیمی، یا سخن حکمت آمیزی را می شنوید، باید به آن دل بدهید؛ بدون دل دادن که اصلاً انسان مُراد را نمی فهمد. هر کتاب عادی - بخصوص اگر کتاب پرمغزی باشد، بخصوص اگر حکیم فرزانه بزرگی آن را نوشته باشد - همین حالت را دارد. اگر سرسری بخوانید و رد شوید، از آن چیزی نمی فهمید. قرآن می گوید: «مرا سرسری نخوانید» قرآن از عالی ترین مقام است؛ از قله معرفت عالم وجود است. این است که انسان باید تأمل کند و چون عمق این آیات و این مفاهیم، خیلی زیاد است، هرکسی تأمل کند، از آن استفاده خواهد کرد - حتی خود پیغمبر - خود پیغمبر هم اگر تأمل کنند - که البته پیامبر و ائمه (علیهم السلام) همیشه قرآن را با تأمل و تدبیر می خواندند - از قرآن استفاده می کنند.

البته ما هم استفاده می کنیم. مثل سطوح مختلف دریاست که هرکس در هر سطحی برود، بهره ای از آن خواهد بُرد - حالا این تشبیه نارسایی است، لیکن برای تقریب به ذهن است - البته هرچیزی را که انسان نفهمید، هر معنایی را که درست، سر در نیاورد و ترکیب یا عبارت مشکلی بود، به تفسیر مراجعه می کند. منظورم این است که تدبیر، اصلاً به عالم «تفسیر به رأی» نزدیک نمی شود.

همان دانشجو: من دو مرتبه می خواهم مطالبی را خدمتتان عرض کنم. ما دختران جوانی که به هر حال در سطح دانشگاهها مشغول به تحصیل هستیم، یکی از وظایفی که همیشه بردوش خودمان احساس می کنیم، این است که در سطح جامعه هم باید فعالیت‌هایی داشته باشیم - یعنی در واقع یک سری مسؤلیتهای اجتماعی - و البته آنچه که مهمترین چیز در این مسأله است، حفظ حدود، حفظ تقوا و حفظ احکام نورانی اسلام است که باید در این مسیر به آن توجه داشته باشیم. ما در این مسیر توقع داریم که از جهات مختلف یاری شویم - به هر حال، هم محیطها، هم خانواده ها، هم عواملی که می توانند دختران جوان را در فعالیت‌های اجتماعی یاری کنند - ما توقع داریم که با تشویق خانواده ها مواجه شویم. راه را برای ما با راهنمایی‌هایشان بکشایند و ما را در این مسیر کمک کنند. من خواهش این است که اگر در این مورد رهنمود خاصی هست، ما سراپاگوش هستیم.

بعد مطلب دیگری می خواهم بپرسم - که البته ربطی به این بحث ندارد - سؤالی است که وقتی آدم به کسی علاقه مند می شود، دوست دارد که از جوانب مختلف زندگی او خبردار باشد. مابه دلیل این که با جوانان سروکارمان بیشتر است، مسأله ازدواج برایمان مسأله خیلی مهمی است. چیزی که ما همیشه با آن مواجه بوده ایم، این مسأله بوده که معیارهایی که برای ازدواج وجود دارد چیست؟ البته هرکسی معیارهایی برای خودش دارد؛ منتها ما امروز که بحمدالله خدمت شما رسیدیم و این توفیق را داریم که از بیاناتتان مستقیماً استفاده کنیم، می خواهم این را مستقلاً بپرسم که اصلاً شما چه معیارهایی را برای ازدواج جوانان پیشنهاد می فرمایید و اگر صلاح می دانید، مقداری درباره مسائل شخصی - مثلاً فرزندانان که ازدواج کردند، یا ان شاءالله ازدواج خواهند کرد - بفرمایید که چه معیارهایی را در چنین مسائلی در نظر می گیرید که ما ان شاءالله استفاده کنیم.

بله؛ معیارهایی که در ذهن من هست، خیلی خارج از آنچه که در ذهن عرف متشرعه ماست، نیست. من اصرار دارم بر نفي بعضی از معیارها؛ یعنی چیزی که من بیشتر روی آن تأکید می کنم، ارائه یک چارچوب معیاری نیست. چون می دانید اسلام، میدان را باز گذاشته، ضمن این که ارزشهایی را در درجه اول قرار داده است؛ اما مردم را در آن چارچوب، صددرصد محدود نکرده است - که حالا ممکن است مثالی عرض بکنم - بنابراین من در تعیین معیارها خیلی اصراری ندارم، بلکه در نفي بعضی از معیارها اصرار دارم.

یکی از معیارهایی که من به شدت مایل به نفي آن هستم، مسأله ثروت است. وقتی جوانی می خواهد ازدواج کند - چه پسر و چه دختر - اصلاً نباید ثروت همسر و نامزد ازدواجش را مورد توجه قرار دهد. به نظر من این یک جاذبه گمراه کننده است نه یک جاذبه حقیقی. پس این نباید مورد نظر باشد؛ کمالین که در مورد خود ما هم همین طور



بوده است. در موارد معدودی که بوده - دو تن از فرزندان من ازدواج کرده اند - به کلي این معنا مورد نظر نبوده است.

جنبه دیگری که اصلاً نباید مورد نظر باشد، عبارت است از «تشخص اجتماعی». این هم اصلاً نباید مورد نظر باشد. من شنیده ام - به گوشم خورده - بعضی افراد که می گردند تا پسری را برای دخترشان، یا دختری را برای پسرشان انتخاب کنند - خوشبختانه در خود دخترها و پسرها کمتر هست؛ مربوط به پدرها و مادرهاست - می گردند تا عروسی، یا دامادی را انتخاب کنند که حتماً وابسته به بیت و شخصیت شهیر، یا سیمت معروفی باشد. این هم به نظر من معیار غلطی است و نبایستی مورد نظر باشد. بعضی از جاذبه هایی هم که به شکل صوری جوانان را جذب می کند، به نظر من برای ازدواج نباید به شکل معیار به آنها نگاه کرد. مثلاً پسرها یا دخترها بگردند، هر جا چشمشان را گرفت، آن را معیاری قرار دهند! هر موردی که چشمشان را گرفت و جذب کرد، آن را کافی بدانند! این هم به شدت مورد برحذر داشتن و پرهیز دادن ماست؛ که ما می خواهیم دخترها و پسرها در این دامها گرفتار نشوند. از اینها که بگذریم، ممکن است دختری یا پسری مایل باشد که حتماً همسرش تحصیلات عالی کرده باشد؛ یکی دیگر نه، به این اهمیت نمی دهد. من این مثال را می زنم، برای این که معلوم شود معیارهای مثبت و قابل قبول، محدود نیست. التفات می کنید؟ یا فرض کنید کسی اهل منطقه ای از کشور است، دوست می دارد که همسرش حتماً وابسته به آن منطقه باشد؛ یعنی راه باز است. بعضیها حتماً دلشان می خواهد که همسرشان جزو کسانی باشد که در راه خدا حرکتی کرده باشد، تلاشی کرده باشد، جانباز، خانواده شهید و از این قبیل باشد. بعضی این را جزو معیارهای خودشان نمی دانند. من می خواهم از این جهت، معیار مثبتی گفته نشود، تا این که به معنای محدود کردن باشد. فقط می خواهم آن مرزهای منفي را ملاحظه کنم. ما البته در مورد فرزندان خودمان، بیشتر به این چیزها نظر داشتیم.

البته من لازم می دانم که سلیقه و خواست دختر و پسر رعایت شود. من حقیقتاً این را شرط می دانم. اگر چه رضای دختر و رضای پسر، شرط صحت عقد است؛ اما آن رضای در عالم مباحث حقوقی، غیر از آن چیزی است که من در شرط تحقق ازدواج دو نفر، دنبالش هستم. من دلم می خواهد شرایط به نحوی باشد که حتماً محبتی به وجود بیاید؛ یعنی اصلاً بدون محبت انجام نشود. نه این که بگویم بایستی قبل از ازدواج، محبت باشد؛ نه، این را نمی گویم. اما در مجموع، پسندی وجود داشته باشد - هم دختر، آن پسر را بیسندد و هم پسر، آن دختر را - که این پسند، زمینه ایجاد محبت ماندگاری باشد.

البته محبت، قابل زوال است؛ اما قابل عمق دادن هم هست. ایندست خود آدم است. از جمله کارهایی که خداوند متعال با وجود پیچیده بشر انجام داده، این است که تا حدود زیادی اختیار محبت را به او داده است. حال بگذریم از بعضی از محبت‌های تند که گفته می شود اختیاری نیست و شعرا هم درباره اش حرف‌های زیادی زده اند - آنها به اصطلاح، استثناهای وجود بشر است - اما قاعده این است که دو نفری که مایه ای از محبت، بینشان باشد، راحت می توانند این محبت را آبیاری و بالنده کنند و آن را زیاد نمایند. به هر حال این هم چیزی است که لازم است. عاطفه میوه چي، دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران: بسم الله الرحمن الرحيم. در زمینه فعالیت‌های اجتماعی که خواهران صحبت کردند؛ فعالیت‌های سیاسی هم یکی از شاخه های فعالیت‌های اجتماعی خانمهاست و نظر خود شما هم این است که دانشجوی باید سیاسی باشد؛ اما ما گاهی می بینیم که لازمه وارد شدن در کارهای سیاسی این است که وارد سیاسی کاری هم بشویم. یعنی گاهی اوقات این دو مسأله، خیلی با هم خلط شده اند که تشخیص این که باید اقدام کرد، یا نکرد، خیلی مشکل است. این سؤال را از این جهت می کنم که شما ملاک و معیاری را برای تشخیص این که ما از آفات سیاسی کاری برحذر باشیم، بفرمایید، تا درعین حال بتوانیم دانشجوی سیاسی هم باشیم.



خیلی خوب. البته من دوست می‌داشتم که در این جلسه، بیشتر شما خانمها صحبت کنید و من مستمع باشم. دلم می‌خواهد که این حرفهای خوب، از زبان شما خانمهای زبده و برگزیده خارج شود و من کمتر صحبت کنم. درعین حال این جمله را عرض می‌کنم. ببینید؛ من که گفتم دانشجویان سیاسی باشند، معنایش این است که یک نفر وقتی در جامعه‌ای زندگی می‌کند، مسائلی در این جامعه وجود دارد که به سرنوشت جامعه مربوط است؛ این دخترها، این پسرها، این دانشجویان خودشان را از آنها برکنار ندانند.

فرض بفرمایید مسأله انتخاب رئیس جمهور مطرح است. نمی‌شود که ما بگوییم حادثه به این مهمی در کشوری انجام بگیرد و جوانان بگویند «مردم انتخاب می‌کنند، به ما چه!» و هیچ نظری نداشته باشند. یا فرض بفرمایید مسائل جاری ایران با قدرتهای استکباری مطرح می‌شود - مثلاً مسأله ایران و آمریکا - جوانان نسبت به این قضیه، بی تفاوت شوند! حالا استکباری وجود دارد؟ علیه انقلاب تلاشی دارد؟ ندارد؟ این تلاش از چه راههایی است؟ قصدشان چیست؟ اصلاً نسبت به این قضیه، هیچ اهمیتی نداشته باشند! من این را برای جامعه خودمان - بخصوص برای دانشگاه - خطر می‌دانم که به این چیزها نیندیشند. منظور من از کار سیاسی، این است.

البته وقتی کسی بخواهد در این زمینه‌ها به فکر صحیح برسد و قدرت تحلیل پیدا کند، باید مقداری بخواند، مقداری بحث کند، مقداری تبادل نظر کند و احياناً در موردی اعلام وجود کند. من بارها به دانشجویان گوناگونی گفته‌ام که مثلاً در قضایای مربوط به فلسطین، قضایای مربوط به بوسنی و قضایایی که در اروپا این چند ساله اتفاق افتاده - بعضی از قضایای جاری جهانی - چه عیبی دارد که مجموعه‌های دانشجویی ما موضعگیری کنند؟ یعنی از اعماق این ملت، ناگهان قشر عظیمی موضع خودشان را درباره مثلاً برخوردی که در فلسطین اشغالی با جوانان شد، یا برخوردی که با مسأله حجاب در اروپا شد، یا برخوردی که در اروپا با بوسنی شد - برخوردی که در دنیا با قضایای گوناگون می‌شود - اعلام کنند که طبعاً مستلزم نشست و برخاستها و تشکلهاست.

سیاسی کاری که چیز بدی است، معنایش این است آن کسی که درباره مسائل سیاسی فکر می‌کند، هدفش دنبال کردن و کشف و بیان حقیقت نباشد؛ اهداف دیگری را دنبال کند! این را سیاسی کاری می‌گویند. مثل بعضی از کارهایی که ما می‌بینیم چه در محیط دانشجویی و چه در غیر محیط دانشجویی انجام می‌گیرد. گاهی هدف، فقط این است که یک نفر این حرف را بزند و از قول او پخش شود، یا یک نفر مطرح گردد، یا یک نفر مورد تهاجم قرار گیرد، یا گاهی طرف - حریف - از میدان بیرون رود. هدف که اینها شد، انسان را به سمت کار ناسالم سیاسی می‌کشاند که ما تعبیر به سیاسی کاری می‌کنیم. همچنان که انسان در همه مقوله‌های زندگی می‌تواند بین کار سالم و ناسالم، با تأمل و ملاحظه، مرز روشنی را پیدا کند - لاقلاً در کارهای شخص خودش می‌تواند آن را پیدا کند - در این قضیه هم می‌شود مرزی پیدا کرد.

حکیمه دبیران - استاد دانشگاه تربیت معلم: بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله علي ما انعم و له الشكر علي ما الهم. با عرض تبریک به مناسبت ولادت با سعادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) و تقارن ولادت فرزند بزرگوار و مجاهدش حضرت امام (رحمة الله علیه) با چنین روز مقدسی، نکاتی را درباره آموزش عرض می‌کنم. یکی از برکات انقلاب اسلامی، تعیین «روز زن» در چنین روز مقدسی است. اختصاص دادن روز ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) به روز زن، یعنی جامعه اسلامی ایران و تمامی مسلمانان جهان که این امر مقدس را پذیرفته‌اند به همه جهانیان اعلام می‌کنند که اسوه ما حضرت زهرا (سلام الله علیها) است. برای شناخت اسوه، مطمئناً علم و آگاهی لازم است که همه ابعاد وجودی آن اسوه را بشناسیم. چون می‌خواهم چند بیت شعر هم با توجه به بُعد معنوی و علمی آن حضرت تقدیم کنم، صحبت درباره دانشگاه را به صورت خیلی خلاصه عرض می‌کنم که مصدع وقت حضرتعالی نشده باشیم و بیشتر از بیانات شما استفاده کنیم.

خوشبختانه همان طور که توصیه فرمودید، خانواده‌ها توجه به تحصیل دختر را مدّ نظر قرار داده‌اند. آماري که امسال



ارائه کردند، نشانگر این مسأله است که رشد کمی در توجّه به تحصیل دختران در خانواده ها وجود داشته است. جای شکر دارد از نظام و دستگاهها و مسؤولان محترم که امکاناتی را هم برای تحقق چنین امری فراهم کرده اند. ان شاءالله رشد کیفی هم همراه باشد و بعد معنوی را همه محصلان عزیزمان و دانشگاهیان و معلمان مد نظر قرار دهند و حتماً با دو بال علم و تقوا پیش بروند که «انما یخشی الله من عباده العلماء». منتها همان طور که باز در فرمایشات حضرتعالی بوده، محیط امن برای دختران، مسأله قابل توجّهی است. اهتمام بر این است که محیطهای مناسب و وضعیت متناسب با دستورات شرع فراهم شود؛ ولی تکرار توصیه ها ان شاءالله بتواند این امر را بیشتر محقق سازد و ان شاءالله جوامع آموزشی در آموزش و پرورش و در آموزش عالی به این نکته بیش از پیش اهمیت دهند و ان شاءالله جایگاه خانمها و دختران عزیز متعهد و متدین ما، در مراحل بالایی تحصیلات - در دوره های تحصیلات تکمیلی و در فوق تخصصها - که معمولاً سهم کمتری را تاکنون داشته اند - بیش از پیش رشد و تعالی داشته باشد.

در زمینه اصلاح کتب، الحمدالله بعد از توصیه های مکرر حضرتعالی، نهادهایی مشغول این کار هستند که در بخشی از آن هم در زمینه ادبیات فارسی توفیق خدمت داریم و شاهد این هستیم که برای این که کتابها تطابق با مبانی و مبای اسلامی داشته باشد، تلاشها و کوششها می شود و با نظر محققان، بعضی از مواردی که قابل اصلاح است، الحمدالله در دست اقدام و توصیه به نویسندگان است.

بعضی از این دانشگاههای موجود، اختصاص به خواهران دارد که من خودم توفیق خدمت در آنها را چند سالی داشتم و شاهد خواست و تأکید همه خانواده ها بودم برای این که چنین محیطهای مناسبی در تمام کشور گسترده شود. اگر توسعه دانشگاههای دختران ولو به صورت کوچک - به صورت دانشکده ها با اختصاص دادن به چند رشته - در حد امکاناتی که مسؤولان هر ناحیه و خود مردم دارند، صورت گیرد، ان شاءالله می تواند در رشد کمی و کیفی و تحقق تحصیل خواهران و پیشبرد اهداف جامعه کمک کند. اگر در این زمینه، هم خود مردم که این خواست قلبی شان است و هم مسؤولان محترم اقدام کنند، ان شاءالله نتیجه خیری برای تمام جوامع اسلامی خواهد داشت. من امیدوارم که با تأسی به تمامی ابعاد وجودی حضرت زهرا (سلام الله علیها) ما بتوانیم به بعد معنوی و علمی آن حضرت هم بیش از پیش آگاه شویم. چند بیتي را هم به این مناسبت، برای عرض ارادت تقدیم می کنم:

بسم الله الرحمن الرحيم. یا فاطمة اشفعی لنا عندالله

یا علی گو قد برافراز و برآور پرچمی
خطبه ای شیوا بخوان، شورآفرین در عالمی
بیم بدعت می رود در دین، بزن سیف سخن
با سکوتی حال دلها را دگرگون کن دمی
با شکوه مصطفایی، سوگ او آور به یاد
وای اگر بر گونه ای ننشسته باشد شبنمی
ایهاالتاس اعلمو برگو و ائی فاطمه
غیرحق هرگز نگویی در سخن بیش و کمی
یک به یک احکام را تفسیر مستوفی نما
تا بداند اهل مجلس نیز جز تو اعلمی
مدعی را تا شود حجت تمام این نکته پرس
کیست دانتر به قرآن من ابی و بن عمی



با علي گو سربرآور از چہ راز و نیاز
بر نیاید دفع ظلم و فتنه از هر رستمي
از مدار خود برون افتاده چرخ معدلت
مي رسد بر «قدس» و «افغان» هردي، نو ماتمي
«بوسني» و «لبنان» گرفتار گروه اشقيا
گويا از هر طرف روبيده ابن ملجمي
کيست نشناسد تو را اي تابش شمس و ضحي
جز کسي کو را بود قلب سياه و مظلمي
داستان آفتاب و شب پره اين جا نکوست
دست غيبي مي زند بر سينه نامحرمي
اُس تو با عالم بالا نه امروزي بود
نکته «هم فاطمه» نبود بيان مبهمي
فاش گو ام ابيا از چه رو گفتت پدر
حلقه هستي کجا دارد به از تو خاتمي
بوسه بر دستت بود مَهري ز مهر مصطفي
بضعة مئي تو را گفته است و لحمي و دمي
ليلةالقدر از فروغ روي تو روشن شود
اينت رمز آن که نبود جز علي ات همدمي
اشتقاق اکبر آيا فاطمه از فاطر است
معني نامت بجويم در کدامين معجمي؟
چشم اميد حکيمه چشم اسرار بود
آنچه گفتم از مدیحت، قطره اي دان از يمي
لمحه اي عين عنايت سوي مشتاقان خود
بهر دلهاي شکسته دست لطف مرهمي
براي حُسن ختام بيتي از مرحوم پدرم را عرض مي کنم که:

ما را به عرض مدحت تو امر کرده اند
ور نه کجا رسيم به حدّ ثنای تو
طيب الله انفاکم خيلي خوب. ان شاءالله موفق باشيد. خانم، شما شعر زياد داريد؟
در مقام حضرت عالي که شاعر بزرگواري هستيد، اگر اصلاً اظهار شاعر بودن کنيم، خطاست. چند موردی هست ان
شاءالله خدمت حضرتعالي مي فرستم. شعري بود در مورد حج خونين، که به اين صورت آغاز مي شد:

مرحبا اي زائران، اي جان نثاران مرحبا
گوهر جان بر سر بازار حق دارد بها
بسيار خوب. ان شاءالله موفق باشيد. خيلي خوب.
زهرة سادات لاجوردي: بسم الله الرحمن الرحيم. زهرة سادات لاجوردي هستم؛ دختر سيّد مظلوم، «اسدالله



لاجوردی». من در این مجمع به عنوان یک دانشجو در مورد آموزش عرضی داشتم که سعی می‌کنم خیلی کوتاه بیان کنم. نکته‌ای که ذهن مرا از ابتدای راهیابی ام به دانشگاه مشغول کرده، این است که در تبلیغات، آن قدر که روی جنبه کمیّت تعداد دانشجو تأکید می‌شود، روی کیفیت چندان کاری صورت نمی‌گیرد و این به گونه‌ای شده است که بالاخص دختران جوان ما احساس می‌کنند تنها راه رشد، راهیابی به دانشگاه است و وقتی وارد دانشگاه می‌شوند، بعد از گذشت سالها و تحمل زحماتی، احساس می‌کنند آن طور که باید و شاید بار علمی پیدا نکرده‌اند. دوست داشتم که مسؤولین ما به گونه‌ای روی کیفیت تأکید بیشتری داشته باشند، تا دانشجویان ما وقتی از دانشگاه بیرون می‌آیند، از بار علمی بیشتری برخوردار باشند. خیلی متشکرم.

بله؛ درست است. اولاً عرض ارادتی بکنیم به شهید عزیزمان آقای لاجوردی، پدر بزرگوار شما. ایشان حقاً و انصافاً شخص خیلی برگزیده و انسان والا و پاکیزه‌ای بودند. اخلاصی را که قبلاً یکی از خانمها صحبت می‌کردند، مظهرش مرحوم شهید لاجوردی بود.

بله؛ کیفیت خیلی مهم است، شما راست می‌گویید. من هم اعتقاد همین است که دانشجویان ما در دوره دانشگاه، حقیقتاً باید کار کنند و بدون کار کردن و بدون زحمت کشیدن - هم درس بخوانند، هم مطالعه کنند و هم استاد را سؤال پیچ کنند - مقصود حاصل نمی‌شود. از این همه هزینه‌ای که برای دانشگاه کشور می‌شود، مقصود کامل حاصل نمی‌گردد و یک مشت نیمه سواد - چه دختر، چه پسر - به وجود می‌آیند. درعین حال که این حقیقتی است، اما راه یافتن جوانان - و در زمان ما بخصوص راه یافتن دخترها - به دانشگاه فی‌نفسه چیز خوبی است. علت این است که بالاخره جای درس خواندن و مطالعه کردن و روشنفکر و آگاه شدن، عمدتاً دانشگاه است. درست است که بیرون دانشگاه هم ممکن است کسی کتاب بخواند و فاضل و آگاه شود؛ لیکن این کم اتفاق می‌افتد. طبعاً خانمها در محیط دانشگاه - بیشتر خانمها این طورند - یک شکفتگی و شکوفایی و جرأت پرداختن به مطالب علمی پیدا می‌کنند و ذهنشان باز می‌شود. البته پسرها هم همین طورند؛ نمی‌شود گفت مخصوص دخترهاست. لذا رفتن به دانشگاه مطرح بوده، و این کمیّت را مدتی دنبالش بودند و خوب هم شده است. الان تعداد دانشجو در کشور ما نسبتاً تعداد قابل توجهی است و این چیز مثبتی است. یعنی حالا این طور نباشد که ما اگر مدتی به کمیّت پرداختیم - به قول شما بدون پرداختن به کیفیت؛ شاید هم همین طور باشد - مدتی هم شعار کیفیت را مطرح کنیم و به کلّ کمیّت فراموش شود. نه؛ من این را خیلی موافق نیستم. دلم می‌خواهد که باز هم این دانشگاهها ظرفیتهای بیشتری پیدا کنند و تا آن جایی که جواب می‌دهد - البته تا آن جایی که استاد و فضای آموزشی و آزمایشگاه و اینها وجود دارد - هرچه بروند، بهتر است.

خانم سلیمی (مشاور امور زنان در صدا و سیما): بسم الله الرحمن الرحيم. الله الحمد و به نستعين. با سلام به پیشگاه مقدّس ولی عصر و عرض ارادت خالصانه به مقام عظمای ولایت. اگر اجازه بدهید، نکته‌ای را در خصوص مسأله هنر عرض کنم و چند سؤال را که مشتاق هستیم به طور کامل برای ما حل شود، مطرح نمایم. اگر در خصوص توسعه هنر صحبت کنیم و ابزارهای آن را نام ببریم، یکی از ابزارهای آن در واقع، دید تیزبین و ظریف نگر به عالم خلقت است و دیگری داشتن یک احساس مقدس و سوّم، عشق به زیباییها؛ که می‌بینم هر سه این زمینه‌ها در زنان، بالفطره فراهم تر است. ولی در جوامع مادی، برنامه ریزان امور هنری به این مطلب کمتر توجه نمودند. با توجه به هدف آنها که توسعه مادیات است، از زن برای جذب بیننده بیشتر و رسیدن به مقاصد خودشان در آن، در جهات مادی استفاده می‌کنند. در واقع دو ظلم عمده به زن کرده‌اند: یکی این که چهره زن را به غلط معرفی می‌کنند؛ به گونه‌ای که زن را وجودی سست عنصر، بدون داشتن هدف متعالی مطرح می‌نمایند. دوم این که محیط هنری را مخدوش کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اگر زنی هم دارای هدف صحیحی باشد و وارد این عرصه شود، کمتر می‌شود که آن متانت و وقار خودش را حفظ کند.



البته نظام جمهوری اسلامی ما، در تمامی عرصه ها سعی کرده است که نگرش صحیحی به زن داشته باشد و در واقع درصد آن برآمده که افکار انحرافی را بزدايد؛ ولی متأسفانه برای رسیدن به حدّ مطلوب، فاصله داریم. هرچند امیدوار هستیم که با وارد شدن افراد متعهد در این عرصه، ما بتوانیم این فاصله را هرچه کوتاهتر کنیم. منتها مشکلی که الان احساس می کنیم به طور کامل در این زمینه حل نشده است، عدم درک صحیح عوامل هنری از این مسائل است. ما متأسفانه با افراطها و تفریطها مواجهیم؛ به گونه ای که جامعه ما در لابه لای این مسأله، حقیقت را گم کرده و نتوانسته به حدّ مطلوب دست پیدا کند. مسأله دوم این که یک عطش فکری در نسل جوان ما ایجاد شده است که در واقع لازم داریم در زمینه هنر با برنامه صحیح بتوانیم به این عطش فکری پاسخ مثبت دهیم؛ به این گونه که هنر به عنوان ابزاری برای درک حقایق والاتر و بالاتر باشد و استفاده شود.

خانم آیت اللّهی از حوزه علمیه قم: بسم الله الرحمن الرحيم. خدا را شکر می کنیم که در چنین روزی خداوند این توفیق را به ما عطا کرد که در خدمت جناب عالی باشیم. به عنوان یک طلبه، این نکته را می خواستم خدمتان عرض کنم که در واقع با تشکیل مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، حدود 160 حوزه در سراسر ایران شناسایی شده که عمدتاً توسط خود خواهران اداره می شود. الان بیش از بیست هزار طلبه مشغول به تحصیل داریم و غیر از حوزه علمیه قم - جامعه الزّهره - که بخشهای مختلفی در زمینه های تمام وقت و نیمه وقت و پاره وقت و غیر حضوری و حتی غیر ایرانی دارد - که در بخش غیر ایرانی، خواهران از چهل کشور در آن جا مشغول به تحصیل هستند - فعالیتهایی باز خود خواهران محترم در زمینه های مختلف، اعم از تدریس در حوزه و دانشگاه، بخشهای مدیریت و تبلیغ در داخل و خارج کشور - حتی در مدیریت حوزه هایی در خارج کشور - دارند.

اما نکته مهمی که شاید به عنوان یک نکته اساسی برای خواهران مطرح باشد، این است که حوزه های علمیه ما با وجود این که تقاضاهای متعدّد زیادی هست که می خواهند وارد حوزه شوند، شاید بتوانم بگویم که به هفت درصد از تقاضاها می توانند پاسخ دهند و عمدتاً خواهران با جواب منفي مواجه می شوند. از جهت کیفیتی هم در سطوح مقدماتی - سطح یک و دو - شاید تحصیل خواهران مقداری راحت باشد؛ اما در سطوح عالی که خود جناب عالی هم عنایت دارید و در مسؤولین هم مطرح شده است، برای خواهران، زمینه فراهم نیست.

لذا تقاضایی که خواهران دارند این است که اگر امکان داشته باشد، در برنامه توسعه سوم، جایگاه خواهران حوزه علمیه در سراسر ایران روشن شود؛ البته با هماهنگیهای لازمی که ما می توانیم برای فارغ التحصیلان خود داشته باشیم. بحمدالله خود مسؤولین هم واقف هستند که اکثراً خواهران در مراکز حوزه، موفق بوده اند. ان شاءالله این زمینه فراهم شود و خواهران بتوانند از امکانات معنوی و تحصیلی بیشتری بهره مند شوند. الان در قسمت ویژه «جامعه الزّهره» تقریباً خیلی کم پذیرش هست و با شرایطی که گذاشته شد - که حتماً باید اسکان در قم باشد - مجموعاً حدود 150 نفر از طلبه ها را می توانند تأمین کنند که این 150 نفر در سطوح عالی هستند - البته در پنج رشته فقه و اصول، فلسفه و کلام، تبلیغ، تاریخ اسلام و تفسیر - خواهران در قسمت درسهای خارج، با مشکلات زیادی مواجه هستند و کمتر توفیق دارند که از وجود اساتید مجرب و آیات عظام بهره مند شوند؛ با وجودی که در خود قم هستند. در حوزه های شهرستانها هم در سطح درس کفایه و پایان مکاسب هم داریم؛ اما باز با کمبود استاد و امکانات مواجه هستند.

تعداد 150 نفر در سطوح عالی خیلی خوب است؛ چرا خواهران به درس آقایان نمی روند؟ درس آقایان عمدتاً در حوزه های برادران تشکیل می شود که مشکلاتی برای حضور خواهران در آن جاها هست. فقط درس تفسیر آیه الله جوادی آملی که در مسجد اعظم بود، توسط خود ایشان هماهنگی شد که خواهران بتوانند استفاده کنند. دروس دیگر را هم بعضی از آقایان اجازه می دهند؛ اما مشکلات مختلفی سرراه است که هنوز امکانها فراهم نشده و عمدتاً از طریق ویدئو از درس اساتید مجرب استفاده می شود.



اینها قابل رفع است؛ اینها چیزهای مشکلی نیست. ان شاء الله بتدریج رفع خواهد شد. امیدواریم رفع شود. خواهر دیگری از حوزه علمیه: بسم الله الرحمن الرحيم. من یکی از طلبه های حوزه قم هستم. گفتند بخشی از کاری را که کرده بودم، مختصراً خدمتتان بگویم. ما می بینیم در آیات و روایات، عنایات خاصی نسبت به زن هست؛ حالا از آن تکوینی که خداوند خلقت زنان را به گونه ای قرار داده است که در پرورش نسل بشر نقش حساسی دارند. بعضی از تاریخ سازان بی های و هوی جهان، زنان هستند. یکی از صفات کمال خدا رحمت اوست که با آن به شکل عاطفه شدید در زنان مواجهیم.

اسلام، عنایت خیلی خاصی نسبت به زنان دارد که زنان رشد پیدا کنند و استعدادهایشان شکوفا شود. اینها را در شیوه های مختلف بزرگان دین می بینیم. این را می بینم که پیامبر (صلوات الله علیه) در عصر زنده به گور کردن دختران، می گویند دختر، گل خوشبوست. ما در عمل نگاه می کنیم، می بینیم سفارشهای خاص هست، مثل این که: ایمان مرد وقتی زیاد می شود که محبتش به زن زیاد می شود و یا علم آموزی برای زن و مرد واجب است. در عالم سیاست می بینیم که هر جا صحنه ای برای بیعت بوده، همیشه زنان حضور داشته اند. در هجرت از سرزمین کفر به سرزمین ایمان، زنان کنار مردان حضور داشتند. در مرتبه حمایت از ولایت، خیلی وقتها این زنان هستند که در جریانهای انحرافی، روشنگر اذهان جامعه می شوند.

ما می بینیم که اولین شهید مسلمان، یک زن است. ما زیاد می بینیم آن عنایتهایی را که دین نسبت به زن دارد. در کانون خانواده که بعضی وقتها مشکلات زنان بحرانی می شود، ما می بینیم دین در قرآن تزی را مطرح می کند - با زبانهای مختلف، به صورت تکراری - که «فامساک بمعروف او تسریح باحسان». با الفاظ دیگر هم بیان می شود که زندگی خانوادگی باید به این شیوه باشد و چیزی غیر از این را هم دین نمی پذیرد. یا زندگی کردن با نیکی و سعادت و خوشی، یا جدایی که همین جدایی هم باز به احسان است. ما از طرفی این عنایت دین را به مسائل زنان می دیدیم، از طرفی هم نگاه به جامعه می کردیم، می دیدیم فاصله خیلی زیاد است. فی الواقع آن دین، هنوز خیلی زمان می برد تا احکامش در جامعه پیاده شود. از یک طرف ما می بینیم در مدت زمان کوتاهی بعد از رحلت پیامبر (صلوات الله علیه)، همین قدر که مردم جهان - شرق و غرب - اندکی از اجرای احکام را در عمل می بینند، فوج فوج رو به اسلام می آورند. یقیناً در عصر امروز که از جهاتی باید بگویم عصر «تحریر بشر» است، در مسائل زنان که دائماً آزمون و خطا دارند و هنوز سرگشته اند، اگر بتوانیم دین را در ارتباط با مسائل زنان، آن چنان که طرح شده، در عمل و اجرا پیاده و عرضه کنیم، مطمئناً ما تأثیرات معجزه آسایی می بینیم. به همین جهت ما فکر کردیم که باید زنان بیشتر همّت کنند و در این مسأله کار کنند؛ چون خانمها با مسائل و مشکلات زنان بیشتر آشنا هستند. لذا سعی کردیم در یک بخش، شروع به کار کنیم - تعدادی از خواهران حوزوی و تعدادی هم از خواهران دانشگاهیمان - معیار کلی که مطرح بود، همان چیزی است که خداوند فرمود: «و لهن مثل الذي عليهن بالمعروف».

آن چیزی که مطرح می شود، مسأله عدالت است که در آن هم حقوق مطرح می شود و هم وظایف. ما در این بخش دیدیم چند مشکل در جامعه وجود دارد: یک مشکل، مشکل فرهنگی است. مشکل فرهنگی در دو بخش بود؛ یکی این که زنان متأسفانه گاهی اوقات توان خودشان را درست باور نداشتند. بخش دیگرش این بود که مردان گاهی اوقات ظاهراً خوب نمی پذیرفتند که باید برای زنان هم امکان رشد و ترقی فراهم باشد و آنها هم می توانند تا اوج ملکوت پرواز کنند. در این بخش باید کار می شد. بحمدالله از اول انقلاب تا به حال هم در این زمینه خوب کار شده است؛ ولی هنوز هم جای کار زیاد دارد.

مسأله دیگر، مسأله قوانینی بود که در جامعه وجود داشت. یکی مشکل طرح قوانین و دیگری مشکل در اجرای قوانین بود. در موضوع طرح قوانین، کاری که ما با خواهران متخصصان داشتیم - هم خواهران حوزوی بودند، هم خواهران دانشگاهی - این بود که چند کار را عملاً انجام دادیم. همکاری با همدیگر هم الحمدالله برکات زیادی



داشت. بخشی از برکاتش هم این بود که در این همکاری، موضوع شناسی توسط خواهران متخصص ما خیلی دقیق صورت می گرفت - مصادیق موضوعات خوب تعیین می شد - و ما می توانستیم مقداری کمک کنیم تا حدود و ثغوری که دین در ارتباط با مسائل زنان مطرح می کند، روشن شود. خواهران متخصصان کمک می کردند که ما بتوانیم قوانینی را که مبنایشان بر دین و متناسب با جامعه امروزند و کارایی لازم را در جامعه امروز دارند، طرح کنیم.

همان گونه که عرض کردم، این همکاری ما برکتی داشت که من دیدم مقداری در همکاریهای حوزه و دانشگاه مغفول واقع شده است و آن این بود که گاهی اوقات به بعضی از احکام برخورد می کردیم که در این هیاهوی سیاسی بعضی از جوامع، ما می دیدیم گاهی اوقات مسأله ای پیشنهاد می شود که معضل زنان در این مسأله، این طوری حل می شود. ما وقتی نگاه به متون می کردیم، می دیدیم اصلاً نمی شود چنین حرفی را مطرح کرد؛ واقعاً این بحث در مسائل دینی جایگاهی ندارد.

در همکاری با خواهران دانشگاهیمان - چون خواهرانی که با ما همکاری می کردند، معمولاً از خواهرانی بودند که یک حریت علمی خوبی در این مسائل داشتند - ما دیدیم خیلی وقتها آن چیزهایی را که ما با تعبّد می پذیریم - و شاید هم گاهی اوقات قابل پذیرش برای برخی نباشد - وقتی خوب در کنه قضیه می رویم، تازه خواهران دانشگاهی ما روشن می کنند که اصلاً حکمت خیلی از احکام دین چیست؛ حکمتهایی که قبلاً برای ما روشن نبوده است و این یکی از برکاتی بود که برای ما در این کار حاصل شد.

موضوعات مختلفی را در مسائل حقوقی زنان نشستیم کار کردیم: بحثهای مربوط به ازدواج - اصل ازدواج، تعدّد زوجات، ازدواج موقت و فسخ نکاح - بحث دیه، قصاص و مباحث مختلف دیگر. ما می دیدیم که فقهان همین امروز به مسائل مختلف جواب داده، ما باید مباحث فقهی را وارد قانون کنیم. هرچند ما در مرتبه قانون، حرف خوب زیاد داریم، ولی خلأهایی هنوز وجود دارد.

گاهی اوقات هم می دیدیم بعضی از مسائل هست که در متون دینی ما وجود دارد؛ ولی در فقه وارد نشده است، که به نظر می رسد عمده ترین علتش این است که شاید این سؤال، اصلاً در گذشته وجود نداشته است که فقیه به خاطر آن سراغ متون دینی برود و شاید ما زنان، امروز این سؤال را می بینیم و سراغ متون دینی می رویم و بالاخره جواب را پیدا می کنیم. منتها ما در کارمان یکی دو مشکل داشتیم. حالا من خواستم این را خدمتان بگویم که مشکل بزرگی که ما در این قضیه داریم این است که متأسفانه گاهی اوقات با تفکراتی برخورد می کنیم که در مقابل قوانینی که در ارتباط با مسایل زنان توسط غرب مطرح می شود، خود باخته اند! گاهی اوقات این خود باختگی واقعاً برای ما مشکل ایجاد می کرد.

مسأله دیگر این بود که متأسفانه گاهی اوقات از جانب برخی فقهایمان کم عنایتی می دیدیم. مثلاً به شکل روشن و واضح، مسائل زنان را از دیدگاه دینی تبیین نمی کردند. این بخش متأسفانه یک جاهایی هم به باورهای دینی مردم ما - در ارتباط با مسایل زنان - ضربه می زند. خواهرمان هم مقداری مسائل اجرایی را که در ارتباط با مسائل حقوق زنان مطرح می شود، خدمتان می گویند. در نهایت اگر شما لطف کنید و برای ادامه راه ما، هم دعای خیری داشته باشید و هم رهنمودی، ممنون می شویم.

خیلی خوب، بسیار خوب.

خانم خسروشاهی، قاضی تحقیق دادگستری: بسم الله الرحمن الرحيم. با توجه به مشکلات حقوقی و قضایی زنان در محاکم دادگستری و دادگاهها و تبلیغات سوئی که علیه نظام قضایی و قوانین شرعی و فقهی ما از طرف بعضی از بیگانگان نا آشنا با قوانین اسلامی و یا مغرضان خارجی صورت می گیرد، لازم است عرض کنم که پیرامون صحبتی که خواهرمان داشتند و تحقیقاتی که در زمینه شناخت مشکلات بانوان در محاکم صورت گرفت و نیز حضور ملموس



و عینی بانوان محقق در دادگاهها و همین طور از جانب خودم، به این نتیجه رسیدیم که علت اساسی مشکلات خانواده ها و خانمها در احقاق حقتشان، این است که اولاً ضعف فرهنگ جامعه در عنایت به رشد و تعالی زن در تمامی زمینه ها، خصوصاً در مسائل حقوقی مربوط به خانمهاست.

مسئله دوم که عمیقتر و اساسی تر است، عدم آگاهی بانوان نسبت به آشنایی با حقوق و تکالیف قانونی و شرعی خودشان و نیز نحوه استیفای حق در محاکم است که باعث بروز مشکلاتی برای آنها می شود. علی رغم دیدگاههای فمینیستی که علت و مسئله را روی نقص قوانین شرعی و فقهی ما می برند، ما می بینیم که در اصل 10 قانون اساسی که برآمده از اسلام و قانون شرع ماست، خانواده به عنوان یک واحد بنیادی و اساسی جامعه به رسمیت شناخته شده و علاوه بر آن در اصل 21 قانون اساسی، وظایف دولت در قبال احقاق حق و زمینه های آگاهی خانمها ذکر شده است.

زن مسلمان در قانون شرع اسلام، زنی است که حق انتخاب دارد و کسی است که علقه زوجیت را ایجاد می کند؛ یعنی رکن اساسی و اصلی عقد نکاح، به دست زن ایجاد می شود - که همان ایجاب عقد است - ولیکن بر هم زدن علقه زوجیت، به دست مرد سپرده شده است. البته این هم در همه موارد نیست؛ یعنی چند مورد در قانون مدنی هست که در آن جا دیگر برای برهم زدن علقه زوجیت، اذن همسر ساقط و به حاکم شرع سپرده می شود. ولیکن خانمها می توانند در راستای احقاق حقتشان و استفاده از آن شرایط مشروع خودشان در زندگی آتی، علاوه بر ماده 1130 قانون مدنی - که موارد عسر و حرج بانوان را پیش بینی کرده است - از راه آسانتری استفاده کنند و آن، استفاده از شروط ضمن عقد نکاح است که بعد از انقلاب به پیشنهاد حضرت امام و با حمایت آیت الله شهید بهشتی و تصویب شورای عالی قضایی وقت، شروط چهارده گانه ای در سند نکاحیه ثبت و ضبط شد و هم اکنون مزدوجینی که به دفاتر مراجعه می کنند، با این شروط آشنا می شوند. خانمها می توانند علاوه بر شروطی که آن جا ذکر شده، از شروط دیگری که جایز است و ممانعت شرعی ندارد و خلاف مقتضای عقد نکاح هم نیست - که تعدادی از آنها در ماده 1119 قانون مدنی ذکر شده است - مثل شرط اشتغال، شرط مسکن، شرط تحصیل، ازدواج مجدد زوج و ...، به نفع خودشان با آگاهی از شروط ضمن عقد استفاده کنند.

در راستای استفاده از همین شروط و آگاهی خانواده ها و خانمها به حقوق حقه خودشان، جزواتی تنظیم و تهیه شده که به دفترخانه ها داده شود - تا مفادش در هنگام مراجعه طرفین، به آنها تفهیم گردد - البته در زمینه بیان مشکلات اجرایی، این یک مورد است که هنوز عملی نشده است. یعنی علی رغم این که این تصمیم گرفته شده و متن جزوات توسط کارشناسان تهیه و تنظیم گردیده، هنوز به صورت عملی مورد استفاده قرار نگرفته است.

مسئله دیگر، استفاده از رسانه ها و دبیرستانهاست؛ بدین معنا که موضوعات مورد اشاره در این خصوص، در ضمن کتب درسی باشد. البته حقوق خانواده و تکالیف طرفین ازدواج به صورت واحدهای درسی در مراکز آموزش عالی و نیز مراکز مشاوره محلی، همه پیش بینی و شروع شده است؛ ولیکن احتیاج به حمایت و وسعت فعالیت بیشتری احساس می شود.

مسئله دیگر، ضعف تشکیلاتی در اجرای قوانینی است که سالها قبل در جهت حفظ و حمایت از حقوق بانوان تصویب شده است. مانند تأسیس واحد ارشاد و امداد در دادگاههای خانواده - مصوب سال 1370 - که به جهت مشکلات اجرایی و بعضاً مشکلات اقتصادی، هنوز راه اندازی نشده است؛ ولی ضرورتش واقعاً در دادگاههای خانواده احساس می شود.

مسئله دیگر مشکلات قانونی است. با توجه به مسائلی که خانم آیت اللهی گفتند، با همکاری خواهرانی که در طرح بازنگری قانون مدنی که مورد عنایت حضرتعالی بود، دست اندرکار بودند - محققین و متخصصین، نمایندگان مجلس، قضات زن، جامعه شناسان و روانشناسان - از سالها قبل تحقیق در شناسایی مواد قانون مدنی و اشکالاتی



که وجود دارد، آغاز شد و به این نتیجه رسیدیم که اشکال اساسی و ریشه‌ای در مواد قانون مدنی وجود ندارد؛ ولی بعضی از مواد، نیازمند به بررسی، اصلاح، متمیم، رفع نقص و یا رفع ابهام است. مثلاً ماده‌ای داریم که به حسن معاشرت زن و مرد در نظام خانواده اشاره می‌کند؛ ولی واقعاً مفهوم حسن معاشرت، یا تبیین و ذکر مصادیق سوء معاشرت، هنوز از نظر قانونی روشن نشده است و لذا مشکلاتی را ایجاد می‌کند. مسائلی که الان احتیاج به بازنگری و توجه نظر دارد، حضانت، ملاقات اطفال، طلاق و موارد دیگری است که ان شاء الله خواهران با کار کارشناسیشان این طرح را به اتمام می‌رسانند و خدمت حضرتعالی تقدیم می‌کنند. به امید خدا؛ خیلی خوب، خیلی خوب.

هاجر حسینی از آمریکا: بسم الله الرحمن الرحيم. السلام عليكم يا اهل بيت النبوة. سلام بر نایب امام زمان و رهبر و پدر عزیزمان. میلاد حضرت فاطمة الزهرا مبارک باد. امروز، همچنین سالروز تولد فرزند کوثر، حضرت امام روح الله خمینی است. من هاجر حسینی از کشور آمریکا، طلبه و خبرنگار هستم. من پیرو حضرت عیسی روح الله بودم و هنوز هستم. بعد ایشان - حضرت عیسی - بود که دست ما را گرفت و به حضرت روح الله این زمان سپرد. الحمدلله امروز فرزندانمان از ما جلوترند. من آنها را با یک گروه جوانان آمریکایی «بنیاد هجرت» به جمهوری اسلامی آوردم. خدا به این ملت، نعمتها و برکات فراوانی داده است؛ نعمتها و برکاتی که در آمریکا دیده نمی‌شود. در آمریکا، زن و مرد پشت یک پرده تاریک زندگی می‌کنند - تحت بدترین ظلم و بدترین بی‌عدالتی - حضرت زهرا (سلام الله علیها) زمان خودشان را فهمیده بودند؛ جوانان هم باید زمان خودشان را بفهمند. هر عملی که جوانان در جمهوری اسلامی انجام می‌دهند، یک اثری در دنیا دارد. امید دارم که ان شاء الله پرچم توحید در تمام دنیا به اهتزاز درآید. در انتظار آن روز هستیم. والسلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

و عليكم السلام ورحمة الله. خیلی خوب. خانمها فرمایشی ندارند؟ چون وقت نماز است، من یک کلمه عرض بکنم و بلند شویم ان شاء الله نماز بخوانیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

قصد ما این بود که از روز زن به این صورت تجلیل شود. الحمدلله به بهترین وجهی تجلیل شد؛ زیرا که بهترین تجلیل، تجلیل عملی است. با حضور شما خانمهای آگاه، عالم و فرزانه در بخشهای مختلف، روشن شد که بحمدالله زن ایرانی در یک سطح راقی قرار دارد. این مهم است. ما ممکن است شعارهای زیادی بدهیم که چنین می‌خواهیم بکنیم، یا چنین کردیم، یا چنین باید بکنیم؛ اما هیچ کدام از این شعارها که گفتار است، قدر این را ندارد که ما نشان بدهیم امروز زن ایرانی، در این سطحی است که ما در این جلسه ملاحظه می‌کنیم.

البته اگر از همه خواهران بیاناتی صادر می‌شد که حتماً در بین آنها مطالب برجسته و باارزشی وجود داشت، این مقصود، بیشتر تحقق پیدا می‌کرد؛ ولی مجال کم بود. ما تقریباً نزدیک به دو ساعت است که این جا نشسته ایم. فرصت بیش از این نبود؛ لیکن بیانات دختران جوان ما، خانمهای دانشگاهی ما، خانمهای طلبه ما و خانمهایی که مسؤولیتهای گوناگونی را بر عهده گرفته‌اند و در بخشهای مختلف فرهنگی کشور حضور دارند، نشان داد که ما امروز از لحاظ رقاء سطح فکری زن در کشور، بحمدالله برخوردار از یک پیشرفت محسوس - نسبت به همیشه و نسبت به گذشته - هستیم. این خیلی با ارزش است.

البته من نظراتی در مورد تلاش برای مسأله زن دارم و این نظرات را بارها هم گفته‌ام؛ یعنی چیزی که پوشیده و پنهان باشد، نیست و در صحبتهای گوناگون تکرار شده است. آن چیزی که الان می‌خواهم به شما خانمها عرض کنم، این است که در زمینه پیشرفت زن به معنای بروز استعدادها و فراوانی که خدا در وجود او قرار داده - چه استعدادها و مشترک زن با مرد که اینها بیشترین است؛ چه استعدادها و ویژه‌ای که در زن هست، در مقابل استعدادها و ویژه‌ای که خدا در مرد قرار داده است - میدان بسیار وسیعی وجود دارد.



پیشرفت زن در این میدان، آن نکته اول مورد نظر است؛ چه برای این، چه برای تنظیم روابط زن و شوهر در درون خانواده که این به نظر من امروز معیوبترین بخش مسأله زن در کشور ماست؛ یعنی اگر کسی بخواهد در زمینه مسائل زنان، زبان به انتقاد باز کند، بیشترین نقطه نظر در این بخش خواهد بود. یعنی به نظر من روابط زن و شوهر در درون خانواده، آن روابطی که مورد نظر اسلام و قرآن است، نیست! این البته معلول عوامل فراوانی است و مخصوص ایران هم نیست. تقریباً در همه جای دنیا چنین چیزهایی وجود دارد؛ منتها با تفاوتیایی.

چه برای پیشرفت در این زمینه - یعنی کار کردن و اصلاح در این زمینه - و چه از لحاظ روشن کردن دیدگاه اسلام در مورد زن و ارزشگذاری بر روی زن - که چه چیزهایی زن را به کمال مطلوب می‌رساند و ارزش می‌دهد - که این شد سه ناحیه: ناحیه پیشرفت فرهنگی و بروز استعدادها، ناحیه اصلاح روابط خانوادگی، ناحیه اعلام و تبیین نظر اسلام در زمینه مسائل زنان از جهات حقوقی، از جهات اجتماعی و غیره. اگر بخواهد در این سه زمینه کاری انجام گیرد، باید به وسیله شما انجام گیرد. من حرفم این است. شما خانمها هستید که باید در این سه زمینه کار کنید. ما فصلی در کشورمان خواهیم داشت که این فصل شروع شده است؛ فصل میان دورانی که در هر زمینه از مسائل زنان، ما مشکلاتی داشتیم و آن دورانی که ان شاءالله این مشکلات، هیچ وجود نداشته باشد. فصلی است که در این فصل، یک تلاش لازم است. البته این تلاش را همه باید بکنند؛ لیکن شما خانمها باید بیش از دیگران در این زمینه تلاش کنید؛ تلاش فکری، تلاش کاری و از قبیل همین کارهایی که حالا این خانمها گفتند، یا کارهای گوناگون دیگری که بحمدالله هست و در این جلسه هم محسوس شد.

خانمها باید در این زمینه پیشقدم باشند و کار کنند. از گفتن و تحقیق کردن و تماس گرفتن و حضور و بقیه کارهایی که باید در مسائل گوناگون اجتماعی و معضلات انجام گیرد، تا مجاهدتی بشود که آن مجاهدت، آن نتایج را به دنبال بیاورد. از این کارها هیچ نباید شما دریغ کنید. ان شاءالله امیدواریم خدای متعال هم کمکتان کند و این زحماتتان مورد رضای پروردگار و مرضی خاطر حضرت ولی عصر باشد و برکاتش آینده کشور را تأمین کند؛ چون اگر در کشوری زنان آن کشور بتوانند به آن صفا و معنویت و رقاء و تعالی فکری برسند، هیچ مشکلی در آن مملکت باقی نمی‌ماند. یعنی زن به طور محسوسی در مرد تأثیر دارد. هم بر روی شوهرش و هم بر روی فرزندانش تأثیرات تعیین کننده ای می‌تواند بگذارد. لذا در واقع، اصلاح جامعه با اصلاح زنان است که آن هم با همین مسائلی که گفته شد، حاصل خواهد شد. ان شاءالله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته